

مصلح بزرگ و جهانی ما

در شماره قبل بحث ما باینجا رسید که علم بشری با همه پیشرفتهائی که کرده است هنوز خیلی ناقص است. و شواهدی از اقوال دانشمندان علوم مختلفه، از قبیل مترلینگک، انشتاین، فلاماریون برای اثبات ادعای خود آوردیم و ثابت شد که اگر موضوعی را هنوز علم نتوانسته کشف و حل کند؛ دلیل بر عدم امکان و عدم وقوع و تحقق خارجی آن نمیتواند باشد... و اصولاً علم سابقاً بسیاری از مسائل را قبول نمیکرد مثلاً...:

نتیجه این قسمت را با بحث چگونگی قضاوت عقل، که برای احترام از تفصیل خیلی اجمالی و سر بسته نوشته میشود در این شماره مطالعه بفرمائید امیدواریم در آینده این بحث را کاملاً و مشروحاً مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم :

... علم تا دیروز «اتم» را جزء تجزیه ناپذیر معرفی کرده بود و در تعریف آن میگفت: «کوچکترین جزء یک عنصر. که قابل تقسیم نباشد» ولی ما دیدیم که دانشمندان قرن ما «اتم» را شکافتند... و دیدند که: «آفتابی در یکی ذره نهان...» و معلوم شد که «دل هر ذره را که بشکافی * آفتابیش در میان بینی».

علم سابقاً نمیتوانست قمر مصنوعی و موشک کیهان پیمای بسازد و حتی تصورش

هم خنده آور بود، اما امروز علم میکوشد که پای بشر، این موجود دویا و نشناخته را حتی بکرات آسمانی باز کند... و بطور کلی اگر در قرون گذشته یکی از اکتشافات و اختراعات علمی امروز را ولو بصورت يك تئوری و فرضیه برای مردم بیان میکردند، دستگاه انگیز بیسوی پاپ او را تکفیر کرده و داغ «آته نیستی» (الحاد) بر پیشانی او زده می شد، و مردم هم علاوه بر بیزاری و کناره جوئی از او. او را يك فرد مالیخولیایی و دیوانه می دانستند.

گالیله، کانت، واتر، کپرنیک، کپلر را روی همین عنوان کشفه کشتند، و او اینکه گالیله در دم مرگ هم دو مرتبه نوشت «باز هم زمین میچرخد» اما او دیگر نمیتوانست منشأ اثری باشد. و البته ما شواهد زیادی از نوع گالیله و کانت... داریم که میتوانیم در صفحات تاریخ تاریخ قرون وسطی و تاریخ محاکمات دستگاه انگیز بیسوی پاپ و دربار مذهبی واتیکان، پیدا کنیم.

پس بطور کلی معلوم شد که علم امتناع تحقق این امور را عملاً برداشته و شاید در آینده با پیشرفت های بیشتری در زمینه های مختلف امکان وقوعی آنرا، برای مردم مادی هم ثابت کند...

آری مایقین داریم که موفقیت های روز افزون علم روزی تمام حقایق ائدئولوژی را که روزگاری برای گروهی موهومات و خرافات جلوه داده شده بود، روشن خواهد ساخت و اسلام با همان چهره بی آرایش و دین فطری بودن خویش تجلی خواهد کرد اما از لحاظ عقلی

بعضی ها که نمیخواهند زیر بار حق و حقیقت بروند و میبینند که پیروی از احکام الهی سدهای فراوانی در راه امیال نفسانی آنها ایجاد میکند، میگویند که: عقل، این مسائل را درک نمیکند و نمیتوانند قبول نمایند!

ما برای آنکه چگونگی و علت اساسی این حرفها را پیدا کنیم ناچاریم که مقدمه کوتاهی برای شما بگوئیم.

قبلا باید توجه داشت که مراد از درک «عقل» چیست؟! و کدام عقلی! این مسئله

و بطور کلی مسائل مربوط به سوراخاتوریست (ماوراء الطبیعه) را قبول نمیتواند بکنند؛ اگر مقصود از درک عقل، درک و احساس يك سلسله افکار و خیالاتی است که در مغز انسان خطور میکند، و طبق میل نفسی بعضی را قبول و بعضی را رد میکند، و در واقع میخواهد از هر چیزیکه برای خواهشهای شهوی و حیوانی او محدودی قائل شود، آزاد شود، و عبارات امر و زی: از پیردان ارگیاستیک (تمایل به عیاشی، میگساری، هرزه درائی) و فلسفه «باید خوش بود» اگزستانسیالیسم است. ما آن عقل را اصولاً عقل نمیدانیم و درک و عدم درک، قبول و عدم قبول آنهم بهمیچوجه نمیتواند مدرکیت و خجیت برای اثبات و نفی مسئله ای، داشته باشد.

بنظر ما، عقل که يك نیروی باطنی و غیرمادی است (و شاید همین نیروی آنها وجه تمایز انسان و حیوان باشد!) اگر آزاد و بی قید، و تابع جنبه حیوانیت انسان گردد صفات اصلی و حقیقی خود را که از جمله دیدن و درک حقیقت است، از دست میدهد، و علاوه بر اینکه نمیتواند امام زمان را قبول کند، خدا را هم قبول ندارد... و «ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاة...» و «فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً لهم عذاب الیم بما كانوا یکذبون» آری همینوقت است که نور عقل خاموش میشود؛ قلب تاریک میگردد؛ و دیگر نور حقیقت و معرفت را درک نمیکند و «هم لا یفقهون» و عقل کذائی، میگردد فلسفه اتومیسیم Atomisme (سیستم فلسفی؛ که بموجب آن جهان در نتیجه ترکیب تصادفی؛ اتمها بوجود آمده است؛ و ذیمقراط فیلسوف یونانی قرن ۵ قبل از میلاد بانی این مشرب فلسفی؛ است) که پیروان آن امروز ما را نرالیست و مارکسیست؛ نامیده میشوند (فلسفه صحیحی است و تا وقتیکه خدا در زیر آلت و ابزار و دستگاههای آزمایشی لا براتوارها دیده نشود؛ خدا را قبول ندارم؛ و مسلم هم چو عقلی فوتوریسم را هم قبول ندارد

اما اگر مقصود از عقل، و درک آن، عقلی باشد که تحت شرایط تربیتی خاصی تربیت و تکامل یافته است، این عقل بسیاری از مسائل را قبول دارد که عقل بی قید و عقل مادی؛

آزاد باور نمیکند :

عقل انسانی ما علاوه بر اینکه خدای ندیده را باور دارد و بآن صمیمانه و صادقانه ایمان آورده است ، برای آن خدای ازلی و ابدی قدرتی نیز قائل است که میتواند مخلوقی را بیافریند که حتی میلیونها سال هم بتواند تحت شرایط خاصی زنده بماند. آیا يك نیروی ازلی و ابدی؛ يك قدرت بی انتها و بی همتا؛ نمی تواند موجود زنده ابدی خلق کند؟ عقل ما باین مسئله جواب مثبت می دهد و میگوید کسی که ماده حیاتی را در پرتو پلاسم دمیده است ، میتواند آن را ابدی هم بکند و انسان را هزارها سال زنده نگهدارد .

و از طرفی عقل ما با دقت در موفقیت های علوم و با توجه به اندک بودن معلومات و ادراکات بشری؛ چنانچه قرآن هم تصریح میکند ؛ بخوبی درمی یابد که این امر (اعتقاد به فوتوریسیم و مسائل غیر عادی متعلقه بر آن) اصلا اشکالی ندارد ، و بر فرض هم اگر دیگران درک نکردند ، ایمان دارد که این موضوع هم مانند مسائل زیادی که پشت پرده عالم وجود هست و برای بشر هنوز مخفی است ، کاملاً واقعیت دارد .

و این ایمان وقتی تقویت شده و به مرحله ایقان میرسد که می بیند مخبرین این امر ، پیغمبران و اولیاء ، و کسانی بودند که با عالم مادره الطبیعه ، با هستی بخش عالم هستی ارتباط خاصی داشتند و می بینند خیلی از مسائل را که آنها گفته بودند و مردم ظاهر بین باور نمی کردند ، امروز کم کم صحت آنها بر همه ، روشن میشود .

برای يك «انسان کامل» تربیت شده مکتب تربیتی و انسان سازی اسلام ، که باز هم تحت شرایط تربیتی خاصی ، از تمام صفات و اخلاق ضد انسانی ، و از تمامی رذائل اخلاقی پاک شود ، این موضوع با اندازه ای مسلم و بدیهی است که از زنده بودن خودش برای او مسلم و بدیهی تر است .

و بعبارت دیگر برای يك فرد کامل ، برای يك مؤمن واقعی ، علم باین مسئله از مرحله یقین گذشته و به مرحله شهود میرسد . که البته ارتقاء بآن مقام «کاره ربی سر و پائی نیست» پس بطور اجمال دانسته شد ، آنچه که خدا و امام زمان را نمی تواند

قبول کند، عقل نیست؛ بلکه آنچه که واقعاً «عقل» است درک و قبولش هم عقلمی است و قطعی و حتمی بودن موضوعی را که مخبرین صادق، بعدتواتر، در هزار سال و هزارها سال، پیش از آن خبیر داده‌اند، تصدیق میکند، خصوصاً وقتی که آثار قبلیه آن را؛ که باز همان مخبرین گزارش داده‌اند، برای‌العین می‌بینند، دیگر نمی‌تواند باور کند که منکرین این امر، عقل سلیمی داشته باشند. و آیه‌ای از قرآن مجید را متذکر می‌شود که: «و لقد ذرنا آل الجهنم کثیرا من الجن و الانس لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم اعین لا یبصرون بها و لهم آذان لا یسمعون بها، اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون».

فوتوریسیم و تقویت روحیه ما:

گذشته از واقعیت و حقیقت این امر، باید توجه داشته باشیم که اعتقاد بوجود امام زمان، ما را همیشه و در همه مبارزات اجتماعی پشت گرم خواهد نمود. زیرا اگر ما واقعاً معتقد بامام زمان باشیم؛ خواهیم دید که همیشه یک پشتیبان قوی داریم که ما را در کارهای اجتماعی، اگر برای خدا باشد، یاری میکند.

و ناگفته نماند که نتیجه اعتقاد بامام زمان این نیست که ما از تمامی کارها دست بکشیم و در گوشه‌ای نشسته و انجام همه کارها را حواله بامام زمان کنیم و اصولاً امام زمان از افراد عاطل و باطلی که صبح میکنند و با او و مسلمین اهتمام نمی‌ورزند نیز ار است و یک فرد مسلمان معتقد همیشه در کوشش است و برای خدا کار میکند، بزندگی خوشبین و امیدوار است و همیشه منتظر تعمیم عدالت و امنیت، بسط عدل و داد، آزادی و برادری، و توسعه اساس دین توحید، در جامعه بشری است.

یک مسلمان معتقد میداند که تمام تحولات اجتماعی دنیا بصورت ظاهر برای برقراری و ایجاد صلح و عدالت است؛ اما یقین دارد که این آرمان مقدس جز در سایه قانون قرآن و حکومت اسلام عملی نخواهد شد، و هر قانون بشری، مفاسدش بیشتر از مصالح احتمالی‌اش خواهد بود.

و قطع دارد که تنها رژیم اجتماعی عادلانه توأم با تمام خواسته‌های مشروع بشری و تنها قانونی که منصفانه‌ترین قوانین را برای انسانها تهیه کرده است رژیم

حکومت اسلام و قانون الهی قرآن است و به همین جهت مسلمان معتقد میدانند که مجری قوانین ، توسعه دهنده عدالت اجتماعی یعنی پیشوای جهانی و بزرگ ما مطلوب تمام بشریت خواهد بود و طرز فکرها تنها طرز فکر جهانی خواهد شد

گفتنار مستشرق آلمانی :

گفتیم که اعتقاد به امام زمان تأثیر زیادی در تقویت روحیه ما دارد اینک گفتار فیلسوف و مستشرق معروف آلمانی مارین رادر این باره بخوانید . مارین در آخر فصل ۷ کتاب خود ، : (چاپ تبریز صفحه ۵۰ و ۴۹) . در باره فوتوریسم شیعه میگوید «از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهم که همیشه موجب امیدواری و رستگاری شیعه تواند گردید ، همانا اعتقاد بوجود حجت عصری و انتظار بظهور اوست ، چه شیعه را عقیده بر اینست که انسان چون شب در بستر رود ، بدین امید باید بخوابد که صبح چون از خواب برخیزد حجت عصر ظهور کرده در تأیید او مستعد باشد و عقیده دارند که همه مردم و دول روی زمین تابع و تحت حکومت آنها خواهند آمد .

گویا فرد فرد شیعه بدون استثناء شب که در بستر میروند بامید ترقی و عالم گیری مذهب و اقتدار خود صبح از خواب بر میخیزند . شیعه ها بجهت بدین را نواب عام حجت عصر میدانند . . .

والبته بردانشمندان اجتماعی روشن است که اگر همچو عقیده ای در فرد فرد ملتی اشاعه یافته و کاملاً رسوخ پیدا کند ، ناچار روزی اسباب طبیعی برای آنان فراهم خواهد آمد ... یأس و حرمان مودت همه گونه نکبت و ذلت است . ولی ضد آن که پشت گرمی و امیدواری و قوت قلب ، از روی اعتقاد (که بمنابہ یک حکم طبیعی و فطری است) مایه فلاح و نجات میگردد .

و از طرفی چون معتقدات مذهبی در ملل شرق زمین تا دو قرن دیگر کاملاً اثرات خود را خواهد بخشید و میتوان گفت که در این مدت و با این همه جمعیت و اسباب طبیعی شیعه پیشرفت محیر العقولی نموده و از حیث عده و نیرو و قدرت مقام

اول را حائز خواهد شد

وحتی اگر آثار معتقدات مذهبی ازین برود، شیعه دارای آن سرمایه خواهد بود که ماورای قوای طبیعی و عارضیه مذهب شوکت و اقتدار و قوت و حکومت خود را در عالم نگهدارند» (۱)
خاتمه و تذکر :

استعمار گران برای اجرای نقشه‌ها و توطئه‌های ضد انسانی خود از هیچ جنایتی خودداری نمیکنند و برای ایجاد تفرقه و انشعاب بین مسلمین کوشیده اند که از این مسئله هم استفاده کنند.

از طرفی «مهدی موعود» فرستاده اند و از طرف دیگر «احمد امین مصری و احمد کسروی تبریزی» فرستاده اند که اصول عقاید شیعه را موهوم و بی اساس قلمداد کنند (و بعد خود برانگیخته شوند) استعمار برای ملل مسلمان ما در پاکستان غلام احمد قادیانی (قادیانیگری) در ایران محمد علی شیرازی و حسینعلی مازندرانی (بایبگری بهایبگری) در سودان سید مهدی سودانی (مهدیگری) را تراشیده اند، و البته درست است که اینها و تمامی مدعیان دروغی مهدویت رسوایه متضح شده اند؛ اما ما باید بیدار باشیم و گول حقه بازیها را نخوریم و نگذاریم جوانان ما بدام بیافتند و توجه داشته باشیم که قرار نبود هر روز یک مهدی؛ برای اصلاح؛ ظهور کند، و از نظر اسلام مهدی موعود علیه السلام که از دو دمان رسالت است هنوز ظهور نکرده است و تمام مدعیان از صدر اسلام تا امروز دروغگو بوده اند، زیرا ۱- مهدی موعود یکی است و تا کنون صدها نفر مدعی پیدا شده است ۲- اگر یکی را قبول و دیگری را قبول نکنیم تر جمیع بالا مرجح لازم خواهد

(۱) «سیاست اسلامی» آخر فصل (۷) «فلسفه مذهب شیعه» تالیف مستشرق

آلمانی ماریین

(رجوع شود به شماره (۲۸) سال ۱۷ روزنامه «جبل المبین» چاپ «کلکته»

(هند) این قسمت از کتاب ماریین در سال ۱۳۲۸ هجری قمری در تبریز تحت عنوان «رولسیون بزرگ یا سیاست الحسینیة» چاپ شده و اخیراً در مشهد نیز تجدید طبع شده است

بود و اگر همه را قبول کنیم نقض غرض میشود. ۳- برای هر کشور و شهری يك مهدی ظهور نخواهد کرد!! ۴- مهدی اسلام وقتی ظهور کند بیرون نخواهد شد و این مدعیان همگی شکست خورده اند. ۵- مهدی اسلام (ع) موجب صلح بین المللی و عدالت جهانی خواهد شد ولی همه اینها باعث آشفتگی اوضاع مردم شده اند. ۶- مهدی اسلام برای ترویج دین اسلام پیام خواهد کرد و ادعای نبوت نمیکند اما اغلب مدعیان، اول «باب» بودند بعد «مهدی» شده اند و بعد «نبی جدید!!» و همین تناقضات موجب بی بهائی همه شان گردیده است و . . .

(ما نمیخواهیم فعلا وارد در این بحث شده و دروغ گوئی مدعیان را ثابت کنیم ممکن است شما بکتابهای مربوطه رجوع کنید) و بهر صورت ما از خداوند بزرگ و توانا خواهانیم که علوم را در اجتماع ما توسعه دهد و در سایه تفکرهای منطقی ما را بحقایق عالیترین و ارجمندترین مکتب ارشادی موجود جهان آشنا سازد و بخصوص مولود همایون ارزنده ترین نشان هستی را برای اثبات عقیده پاک خود بجهان متلاطم و پر اضطراب و متشنج ما مبارک گرداند و ما را تائید فرماید که شایستگی بر خودداری از افکار آن یکتای وجود را داشته باشیم

«سلام و احترام بر مصلح بزرگ و جهانی ما»

«سلام و احترام بر مظهر کمال انسانیت جلوه عقل و نور الهی ذخیره دو دمان

رسالت اعلی

درود بر بنیاد گزار انسان دوست مکتب فکری و اجتماعی ما»

(بایان)

نیمه شعبان ۱۳۷۸ ق م حوزه علمیه،

تشکر و امتنان

از همکاران محترمی که انتشار مجدد مجله را تبریک گفته اند ممنون و متشکریم توفیق و سعادت و سلامتی آنها را در راه نشر حقایق و انجام وظیفه مطبوعاتی از خداوند متعال خواهانیم برقمی